

عنوان مقاله:

بررسی مفهوم انقلاب در داستان ضحاک با نظریه‌ی گلدمن

محل انتشار:

مجله تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، دوره 8، شماره 28 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسندگان:

صبا پژمان فر - مدرس، دانشجوی دکتری ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران

مجید سرمدی - دانشیار، گروه ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور کرج، کرج، ایران.

خلاصه مقاله:

ایران کشوری کهن و متمدن بوده است و با کمی دقت در متون حماسی آن که بن مایه‌های فکری کهن دارند و اسطوره‌ها را در خود جای داده‌اند می‌توانیم ردپای بسیاری از پدیده‌های اجتماعی را که در جوامع کهن - نه فقط جوامع مدرن - هم وجود داشته‌اند بیابیم و از این طریق ادعا کنیم که با جامعه روبرو بوده ایم. به ویژه جامعه‌ای که هویت در آن شکل گرفته بوده و احساسات ملی مردمانش از آن حمایت می‌کرده است. ادبیات تولید شده در یک جامعه به بهترین شکل، نوع اندیشه‌ای را که برخاسته از اوضاع اجتماعی یک جامعه است می‌نمایاند. از جمله‌ی مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی موجود، پدیده‌ی اجتماعی انقلاب - به مفهوم مدرن آن نه شورش و قیام - است که در داستان پادشاهی ضحاک رخ نشان می‌دهد. از آنجا که داستان ضحاک و کاوه اسطوره‌ای است پس با رویارویی با پدیده‌های اجتماعی در متون ادبی موجود می‌توانیم نتیجه بگیریم که حداقل در اندیشه‌ی ایرانی - از آنجا که اساطیر آنقدر کهن هستند که نمی‌توان برای آن داده‌ی اجتماعی یافت - که خاستگاه اساطیر است این مفاهیم وجود داشته‌اند. در این جستار هدف بر این است که با بررسی داستان ضحاک و قیام کاوه بر اساس ساختارگرایی تکوینی گلدمن بتوانیم ثابت کنیم که پدیده‌ی اجتماعی انقلاب در ایران باستان وجود داشته است و این بسیار کهن‌تر از زمانی است که انقلاب‌های اجتماعی به ثبت رسیده است.

کلمات کلیدی:

اسطوره، انقلاب، ساختارگرایی تکوینی، شاهنامه، شهر، ضحاک، کاوه، گلدمن

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1308840>

